

# می خواستم از مردان ثروتمند انتقام بگیرم



شناسنامه اش می گوید ۲۰ ساله است اما خودش مدعی است ۲۴ سال دارد. رکسانا، دختر جوانی که به اتهام سرقت بازداشت شده، می گوید برای انتقام از ثروتمندان از آنها سرقت می کرده است. این هفته رودرروی او نشستیم و به تشریح سرقت هایش پرداخت.

بچه هایش و بعد از مدتی فهمیدیم مادرم چهارمین همسر مرد ثروتمند بوده و او این ماجرا را از مادرم پنهان کرده بود. بچه های شوهر مادرم از مادرم بزرگ تر بودند و با او خیلی بد رفتاری می کردند. رفتارهای آنها با مادرم باعث شد تا از ناپدری ام کینه به دل بگیرم. با خودم عهد کردم از مردان ثروتمند انتقام بگیرم.

**با این حساب تصمیم داشتی سرقت های دیگری هم انجام دهی؟**

دقیقا. من افراد زیادی را می خواستم قربانی کینه قدیمی ام کنم. مردان ثروتمندی که مانند ناپدری ام بودند اما خیلی زود بازداشت شدن و نقشه ام ناتمام ماند.

خودمان زندگی خوبی تشکیل دهیم. با این ترغیب پدرام را راضی کردم در این سرقت همراهم شود.

**پول و دلارهای سرقتی را چه کردی؟**

پیش خودم نگه داشتیم. می خواستم با نقشه های دیگر پول و دلارها را برای خودم بردارم و از پدرام جدا شوم.

**گفتی انگیزه ات انتقام گیری است. چرا؟**

انتقام از مردان ثروتمند و هوسران. پدرم سال ها قبل فوت کرد و ما را تنها گذاشت. مادرم جوان بود که بیوه شد و بعد از مدتی به عقد مرد ثروتمندی درآمد. اما مرد ثروتمند مادرم را خیلی اذیت و مانند کلفت با او برخورد می کرد. مادرم شده بود کلفت او و

اگر طلاقم ندهد خانواده ام خون و خونریزی راه می اندازند و او هم ترسید و مرا طلاق داد.

بعد از جدایی نقشه سرقت از خانه اش را کشیدم. در این مدت که در خانه اش بودم از صفر تا صد زندگی اش را می دانستم. می دانستم که پول ها و دلارهایش را کجا می گذارد، چه ساعتی از خانه خارج می شود و چه ساعتی به خانه برمی گردد. حتی در فرصتی مناسب یک کلید هم از روی دسته کلیدهایش زده بودم و به راحتی می توانستم وارد خانه اش شوم.

**به تنهایی سرقت را انجام دادی؟**

نه. مدتی قبل با پسر جوانی در فضای مجازی آشنا شدم. با همدستی او این کار را انجام دادم.

**می دانست که از خانه شوهر صیغه ای**

**سابق سرقت می کنی؟**

نه. برای پدرام، شریکم را می گویم، فیلم دیگری بازی کرده بودم. به او گفتم که دختری ثروتمند هستم و پدر پولدارم تلاش دارد من به عقد پسر یکی از دوستانش دربیایم اما من عاشق و دلبسته پدرام شده ام و نمی خواهم با پسر دوست پدرم ازدواج کنم. همه این حرف ها دروغ بود اما پدرام باور کرد. به او گفتم می خواهم از پدرم انتقام بگیرم و از طرفی می توانیم با پول های سرقتی برای

**سرقت میلیاردری از خانه مرد تاجر انگیزه اش چه بود؟**

شاید فکر کنید برای پول. البته باید بگویم چه کسی از پول بدش می آید که من دومی اش باشم اما پول در اولویت های پایین تر بود و اولویت و انگیزه اصلی ام انتقام گیری از مردان ثروتمند است. البته تا خواستم نقشه ام را اجرا کنم، بازداشت شدم و بخت با من یار نبود.

**با مالباخته چطور آشنا شدی؟**

در سایت همسریابی. شاکی ۷۰ سال داشت و بهترین گزینه برای انتخاب من بود. من هم قبول کردم و به عقد موقتش درآمدم. در ابتدا چندین سکه طلا و مقداری دلار به عنوان مهریه ام از او گرفتم. بعد هم او را مجاب کردم یک خودروی لوکس برایم بخرد. اما طمع و حس انتقام گیری ام با این پول ها قانع نمی شد. برای همین تصمیمات دیگری گرفتم.

**تصمیمات دیگری چه بود؟**

ساز مخالفت را کوک کردم. با مالباخته دعوا راه انداختم و بعد هم گفتم خانواده ام از ازدواج موقت تازه باخبر شدند و گفتند یا جدا می شوی یا زندگی تو و شوهرت را سیاه می کنیم. فیلمی برای سیاوش، شوهر صیغه ای ام، بازی کردم که فکر کند



شوهر دوم مادرم خیلی ما را اذیت کرد به خاطر همین تصمیم گرفتم از مردان هوسران و پولدار انتقام بگیرم تا نتوانند به خاطر وضع مالی شان با افرادی مثل مادر من برخورد نامناسب داشته باشند



## جدال مرگبار برای وکیل بندی

و حکم قصاص گرفتم. خانواده ام به سختی توانستند رضایت اولیای دم را کسب کنند. قرار بود آنها در دادگاه رضایت خود را اعلام کنند و من به زودی آزاد شوم اما این اتفاق باعث شد در زندان بمانم.

در ادامه جلسه دادگاه دیگر متهمان در جایگاه قرار گرفته و منکر ضربه زدن به مقتول شده و ساسان را به عنوان قاتل معرفی کردند.

وکیل متهم نیز در پایان درخواست کرد فیلم دوربین مدار بسته زندان برای مشخص شدن ضارب اصلی بررسی شود.

قضات بعد از رسیدگی به این پرونده حکم به قصاص ساسان دادند. این رای با اعتراض متهم و وکیل او روبه رو شد. آنها درخواست کردند فیلم های زندان بررسی و از دیگر افراد حاضر در درگیری برای شناسایی ضارب تحقیق شود.

این اعتراض در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و قضات دیوان عالی کشور حکم را نقض کرده و برای بررسی بیشتر به دادگاه بازگرداندند. قرار است با رفع نواقص مورد اشاره دیوان عالی کشور، ساسان دوباره محاکمه شود.

یک استان تهران ارسال شد. ابتدای این جلسه که در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و حرف های قبلی اش را تکرار کرد و گفت: قبول دارم چند ضربه به پدرام زدم اما ضربه های من کشنده نبود. چند نفر دیگر که با پدرام دشمنی داشتند هم تیزی همراهشان بود.

وی ادامه داد: من زندانی قدیمی بودم و دیگر زندانیان خیلی مرا قبول داشتند و می خواستند وکیل بند شوم. پدرام این را قبول نمی کرد. او نوجه های زیادی داشت و می گفت باید او وکیل بند شود. سر این موضوع با هم اختلاف و درگیری داشتیم. همیشه پدرام به من حمله می کرد. روز حادثه هم دوباره سراغم آمد و گفت: باید امروز تکلیف این بند مشخص شود. او با نوجه هایش به من حمله کرد. من مجبور به دفاع شدم. چند نفر دیگر هم تیزی داشتند که از آنها بازجویی نشده است.

**رئیس دادگاه: به چه اتهامی در زندان بودی؟**  
**متهم به قتل: مدت ها قبل به اتهام قتل عمدی دستگیر شدم**

مرد زندانی که متهم است یک سال قبل در زندان مرتکب قتل شده است با نقص حکم مجازاتش دوباره محاکمه می شود.

در این پرونده ساسان متهم است یک سال قبل در جریان درگیری در زندان مرتکب قتل شده است. بررسی پرونده نشان می دهد، روز حادثه در میان زندانیان درگیری رخ می دهد که در جریان آن، مرد جوانی به نام پدرام زخمی شده و بعد بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست می دهد. با بررسی دوربین های مدار بسته، ساسان به عنوان قاتل دستگیر شد. او پس از انتقال به اداره آگاهی گفت: من و پدرام از زندانیان قدیمی بودیم و هر دو می خواستیم وکیل بند شویم و سر این موضوع اختلاف داشتیم. پدرام نوجه هایش را سراغم من می فرستاد تا دعوا درست کنند و من نتوانم وکیل بند شوم. چند بار هم به جان من سوء قصد شد. روز حادثه دوباره پدرام درگیری درست کرد. چند نفر از زندانیان تیزی دست ساز داشتند. در این درگیری فقط من تیزی نداشتم.

با تکمیل تحقیقات برای ساسان به اتهام قتل عمد، کیفرخواست صادر شد و پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری